



INTERNATIONAL JOURNAL OF RESEARCH IN SOCIAL SCIENCES & HUMANITIES

An International Open-Access Peer Reviewed Referred Journal

Impact Factor: 6.064

E-ISSN : 2249 – 4642

P-ISSN: 2454 - 4671

INVESTIGATING THE WORD CONSTRUCTION AND THE MEANING OF NONVERB COMPOUND NOUNS IN THE NOVEL OF (THE LOST LAMB OF RAI) BY HOUSHANG GOLSHIRI

Ghazi Faisal Jalil

Department of Persian Language and Literature, College of Languages, University of Baghdad

DOI: <http://doi.org/10.37648/ijrssh.v12i02.008>

Paper Received:

05th March, 2022

Paper Accepted:

16th April, 2022

Paper Received After Correction:

17th April, 2022

Paper Published:

18th April, 2022



How to cite the article: Jalil G.F.(2022), Investigating the Word Construction and the Meaning of Nonverb Compound Nouns in the Novel of (The Lost Lamb of Rai) by Houshang Golshiri, *International Journal of Research in Social Sciences & Humanities*, April-June 2022 Vol. 12, Issue 2; 129-139 DOI: <http://doi.org/10.37648/ijrssh.v12i02.008>

ABSTRACT

A compound noun is a noun that is composed of two or more parts, so that each component has an independent meaning but refers to a whole person or thing as a whole. Compound nouns are divided into two types, 1- present and 2-non-present, in terms of relation to the root of the verb. Composite nouns, on the other hand, are divided into three categories: inverted, direct, and intermediate in terms of depth of construction. In this research, which has been done by descriptive-analytical method, 5 types of inactive compound nouns have been identified. Non-current compound nouns are directly related, passive compound nouns are dependent, passive compound nouns are homonymous, emphatic and connective compound nouns, and Arabic compound nouns are among these 5 types. All these types of compound names have been used by the lost lamb of Rai Houshang Golshiri.

Key words: *Non-current compound noun, novel of the Lost Lamb Rai, Houshang Golshiri*

بررسی ساخت واژه و معنای اسم‌های مرکب غیر فعلی در رمان (بره گمشده راعی) هوشنگ گلشیری

غازی فیصل جلیل

مربی، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبانها، دانشگاه بغداد،

چکیده

اسم مرکب، اسمی است که از دو جزء یا بیشتر ترکیب شود، به گونه‌ای که هر جزء مستقلاً دارای معنی باشد ولی مجموعاً بر یک تن یا یک چیز دلالت کند. اسم‌های مرکب از منظر رابطه با ریشه فعل، بر دو گونه 1-فعلی و 2- غیر فعلی تقسیم می‌شوند که گونه غیرفعلی نیز به سه نوع وابستگی، همسانی و بین بین تفکیک می‌شود. از طرف دیگر اسم‌های مرکب از منظر ژرف ساخت به سه دسته مقلوب، مستقیم و بین بین تقسیم‌بندی می‌شوند. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، 5 نوع اسم مرکب غیرفعلی شناسایی شده است. اسم مرکب غیر فعلی وابستگی مستقیم، اسم‌های مرکب غیرفعلی وابستگی در هم ریخته، اسم‌های مرکب غیرفعلی همسانی، اسم‌های مرکب تاکیدی و اتصالی و اسم‌های مرکب عربی از این 5 نوع به شمار می‌روند. تمامی این انواع اسم مرکب در اثر بره گمشده راعی هوشنگ گلشیری به کار رفته‌اند.

واژگان کلیدی: اسم مرکب غیر فعلی، رمان بره گمشده راعی، هوشنگ گلشیری.

1- مقدمه

یکی از زمینه‌های دارای اهمیت دستوری، در حوزه‌ی صرف کلمات، میحث کلمات مرگب² است. قسمت قابل توجهی از واژگان مورد استفاده‌ی یک زبان را واژه‌های مرکب به وجود می‌آورند. از سوی دیگر، مرکب‌سازی یکی از روش‌های مرسوم به منظور شکل دادن و ایجاد کلمات جدید در یک زبان است. در پاسخ به این پرسش که یک کلمه‌ی مرکب چه کلمه‌ایست؟ اغلب چنین بیان می‌گردد که واژه‌ی مرکب، تلفیقی است از دو واژه که یک کلمه‌ی نو را ایجاد می‌کنند. از این پاسخ، اینچنین تصور می‌گردد که هر کلمه‌ی مرکب تنها از دو کلمه ایجاد شده است (و نه بیشتر) و اجزای تشکیل‌دهنده‌ی کلمه‌ی مرکب فقط واژه هستند. اما با رجوع به زبان‌های گوناگون با مثال‌هایی روبه‌رو می‌شویم که ناقض این تعریف هستند. از سوی دیگر، عبارات مرکبی هم هستند که اجزای آنها فقط واژه‌ها نیستند. به عنوان نمونه عبارت مرکب *Over-the-fence gossip* در زبان انگلیسی که در آن جزء اول ترکیب خود یک گروه است. از این رو به نظر می‌رسد بهتر است تعریف غالب اصلاح شده و کلمه‌ی مرکب را تشکیل شده از دو جزء و یا بیشتر بدانیم که جزء اول یک کلمه و یا عبارت و جزء دوم همواره یک کلمه است. همچنین کلمه انواع گوناگونی دارد که بحث از تمامی انواع آن و توصیف و شرح آن نیازمند بررسی‌های دقیق و موشکافانه است. از میان طیف گسترده کلمه، «اسم» در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. هدف از انتخاب این موضوع برای پژوهش، درک و شناخت هرچه بهتر اسم‌های مرگب و الگوهای ساختاری متنوع آن و آشنایی با چگونگی کاربرد این واژه‌ها در آثار هوشنگ گلشیری است. بدین منظور اثر داستانی *بره گمشده* را از این نویسنده برگزیده شده است.

2- پیشینه پژوهش

پرویزی (1393)، در پژوهشی، الگوهای ساخت واژه مرکب در شاهنامه را مورد واکاوی قرار داده است. نتیجه پژوهش وی نشان می‌دهد که فردوسی، با توجه به وزنی که برای شعر خود در شاهنامه اختیار کرده است، محدودیت‌ها و تنگناهایی در انتخاب واژه و ترکیب واژه‌ها داشته است. در نتیجه، به ناچار تغییراتی در ساختار واژه‌های معمول داده و برخی واژه‌ها را به چندین صورت در شعر خود آورده است. این تغییرات سبب شده است که ساخت‌هایی گوناگون گاه با اندک تفاوت پدید آید. ترابیان (1392)، در پژوهشی، استعاره در اسم‌های

مرکب اسم-اسم فارسی در چارچوب زبان‌شناسی شناختی را مورد واکاوی قرار داده است. این تحقیق ابتدا بسامد اسم‌های مرکب اسم-اسم فارسی و همچنین بسامد اسم‌های مرکب اسم-اسم استعاری فارسی را بررسی می‌کند تا مشخص شود استعاره‌ی مفهومی به چه میزان در ساخت اسم‌های مرکب اسم-اسم فارسی نقش داشته است و سپس واژه‌های مرکب استعاری را طبق الگوی معرفی شده دسته‌بندی می‌کند و به تحلیل استعاره‌های به کار رفته در واژه‌ها می‌پردازد. محمدنیا (1395)، در پژوهشی، کلمات مرگب (اسم، صفت، قید و صوت) را در دیوان محمدتقی بهار بررسی نموده است. در این پژوهش تلاش شده است با بررسی نظرات دست‌نویسان در 50 سال اخیر با رویکرد توجه به دستورهای جدیدتر خلاصه‌ای از روند تحولات این موضوع ارائه گردد. همچنین پژوهش‌گر با بررسی کلمات مرکب در «دیوان استاد محمدتقی بهار» به دلیل اینکه خود، استاد و مدرس این رشته بوده است؛ برآن است تا زمینه‌ساز شناخت سبک و شیوه وی در سخنان منظوم او باشد و ضمن تحلیل کمی و کیفی کلمات مرکب اعم از «اسم، صفت، قید، صوت» در این دیوان، هنر واژه‌سازی و خلاقیت ایشان را از این جنبه نشان دهد.

3- روش تحقیق

در یک پژوهش علمی، برای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده و نیز برای تأیید فرضیه‌های مطرح شده در تحقیق، روش‌های متعددی برگزیده می‌شود. این روش‌ها با توجه به موضوع پژوهش و همچنین مواردی که مطلوب نگارنده است، انتخاب می‌شوند. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات و مبانی نظری، تدوین فرضیه‌ها و ارائه الگوی اولیه موضوع از روش توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد شد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی برعکس تحقیقات تاریخی در مورد زمان حال به بررسی می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود می‌پردازد. در این نوع روش تحقیق، علاوه بر آنکه محقق به توصیف و تفسیر آنچه را که هست می‌پردازد به تحلیل داده‌ها نیز می‌پردازد. با توجه به اینکه پژوهش اساساً یک پرداخت تئوریک خواهد بود و داده‌های کمی مختص پژوهش‌های عملی و کاربردی یا پیمایشی و تجربی آزمایشگاهی در آن موضوعیت ندارند؛ لذا در تقسیم‌بندی انواع پژوهش‌های توصیفی کمی و کیفی، پروژه‌ی پژوهشی را می‌بایست در دسته‌ی پژوهش‌های توصیفی کیفی دسته‌بندی کرد. فرعاً مختصات پژوهش‌های توصیفی تطبیقی نیز در مورد آن مصداق پیدا می‌کند.

² Compounds.

4- واژه مرکب و ویژگی‌های آن

واژه‌ای که از واژه‌ها یا نیمه‌واژه‌ها یا از ترکیب آنها ایجاد شده باشد به صورتی که اجزای این ترکیب ایجاد شده خاصیت صرفی و یا نحوی و یا آوایی و یا معنایی خود را از دست داده باشند؛ به عنوان مثال: گلاب (مرگب از دو واژه «گل» و «آب»، جا خالی زدن (مرگب از نیمه‌واژه «جاخالی» و واژه «زدن»)(شعبانی-فرشیدور، 1390، 168).

یک واژه‌ی مرکب یک واحد زبانی³ بوده و ویژگی‌های زیر را داراست:

1- گسترش‌ناپذیری؛ به این معنی که اجزای

تشکیل‌دهنده واژه‌ی مرکب برخلاف اجزاء جمله و گروه قابلیت گسترش ندارند، به عنوان مثال اسمی که جزء واژه‌ی مرکب است، نمی‌تواند دارای صفت، مضاف‌الیه، علامت جمع، نشانه‌ی نکره و حرف اضافه باشد. به عنوان نمونه «پدر» را درواژه‌ی «پدر شوهر» نمی‌توان گسترش داد و گفت «پدرهای شوهر».

2- حذف و کوتاهی؛ که گاهاً به علت ازدیاد

استفاده و ایجاد ترکیب، سخن کوتاه گردیده و حذف رخ داده است. مثل شیرموز که از حذف «و» بین شیر و موز تشکیل شده است.

3- نشانه دستوری: یک واژه‌ی مرکب می‌تواند

نشانه‌ی دستوری طبقه خودش را بگیرد. به عنوان نمونه اسم مرکب نشانه‌های اسم خود و همچنین صفت و قید مرکب نیز نشانه‌های صفت و قید را به خود می‌گیرند. به عنوان نمونه «تر» که نشانه‌ی صفت بیانی است، از آنجا که می‌تواند به انتهای «بزرگ‌منشانه» درآید گفته می‌شود بزرگ‌منشانه‌تر، از این رو مجموع «بزرگ‌منشانه‌تر» مرکب است.

4- هر یک از بخش‌های به وجودآورنده‌ی

واژه‌ی مرکب، یک واژه مستقل است و خود واژه‌ی مرکب، واژه‌ی جدیدی است که از منظر معنایی، با هیچ‌یک از بخش‌های به وجودآورنده‌ی آن منطبق نیست و خودش

دارای معنا و مفهوم مستقل است. به عنوان نمونه، چشم انتظار که از دو واژه چشم و انتظار به وجود آمده، دارای معنایی مستقل از معنای چشم و یا معنای انتظار است.

5- آهنگ ویژه تلفظ کردن واژه مرکب

خاصیت برجسته آن است، با این توضیح که «تکیه» واژه در واژگان مرکب بر روی بخش دوم قرار می‌گیرد. در واژه‌های چشم‌انتظار، شترمرغ تکیه با فشار تلفظ به ترتیب بر روی کلمات خانه، فروش و مرغ قرار دارد. (یوسفی، 1379، 161).

5- اسم مرکب

«اسم واژه‌ایست که برای تعیین کردن و نامیدن پدیده‌ها و امور به کار می‌رود؛ مثل: چوب، انسان، دانش، خوردن».(طباطبائی، 1394، 25). اسم از وجوه مختلف، دارای انواع گوناگون است. یکی از وجوه دسته‌بندی اسم، وجه ساختمان است که به دو بخش بسیط و غیر بسیط تقسیم می‌گردد و غیر بسیط بر دو نوع مشتق و مرکب است که در این پژوهش فقط نوع مرکب بررسی می‌شود.

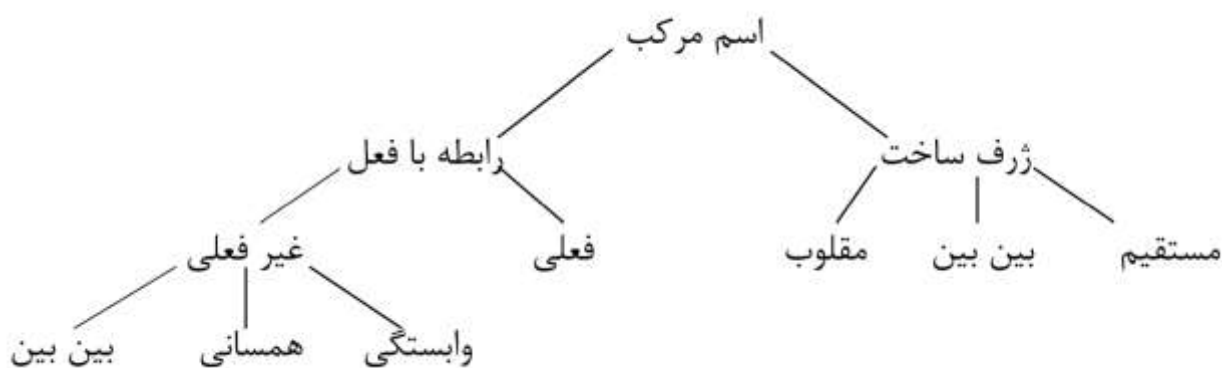
تعریف اسم مرکب در کتاب‌های دستور زبان بدین شکل ارائه شده است: اسم صریح اگر از چند کلمه تشکیل یافته باشد مرکب است؛ مانند: «کاروانسرای»، «نیشکر»؛ و گرنه بسیط است؛ مانند: «سرای»، «شکر». (خیابپور، 1400، 36). «اسم مرکب آن است که از دو کلمه یا بیشتر ترکیب شده باشد». (منصور، 1400، 40). «اسم مرکب، اسمی است که از دو جزء یا بیشتر ترکیب شود، به گونه‌ای که هر جزء مستقلاً دارای معنی باشد ولی مجموعاً بر یک تن یا یک چیز دلالت کند؛ مانند: عبدالله، سمرقند». (مرزبان، 1379، 59). واژه‌هایی که غالباً در شکل‌گیری اسم مرکب شرکت می‌کنند عبارتند از: اسم، صفت، فعل و حروف که این واژه‌ها به صورت مستقیم به هم می‌چسبند و اسم جداگانه‌ای را می‌سازند. (محتشمی، 1370، 38). هنگامی که دو یا چند واژه با هم ترکیب می‌شوند، معنا و مفهوم جدیدی می‌یابند که به هیچ‌یک از اجزای شکل‌دهنده آن مرتبط نیست، به عنوان نمونه واژه شب‌نامه، اسم مرکبی است که از دو بخش «شب» و «نامه» تشکیل شده است و مفهوم و معنی مستقلی که از آن بر می‌آید، با معنای «شب» و «نامه» دارای شباهت نیست. (عمادافشار، 1372، 28).

در مراجع گوناگون مثل کتاب‌های دستور زبان فارسی، شیوه‌های متفاوت و گوناگونی برای ساختن اسم‌های مرکب ارائه شده است که اکثر الگوهای ساختاری

³ linguistic unit.

اسم مرکب در بیشتر این کتاب‌ها یکسان هستند، از میان کتاب‌های گوناگون دستوری که به تقسیم‌بندی اسم مرکب و شیوه‌های ساخت آن اشاره نموده‌اند، کتاب «ترکیب و اشتقاق» به کوشش خسرو فرشیدورد کامل‌ترین مطالب و دقیق‌ترین الگوهای ساختاری را تدوین نموده است. از همین رو به منظور توصیف و تبیین هر یک از اسم‌های مرکب، این کتاب مبنا قرار گرفته و بر اساس آن به توضیح و تشریح اسم مرکب پرداخته شده است. به منظور اطلاع از روش‌های ساخت اسم مرکب ضروری است که با اقسام اسم مرکب، آشنا شد. اسم‌های مرکب از منظر رابطه با ریشه فعل، بر دو گونه 1-فعلی و 2- غیر فعلی تقسیم می‌شوند که گونه غیرفعلی نیز به سه نوع وابستگی، همسانی و بین بین تفکیک می‌شود. از طرف دیگر اسم‌های مرکب از منظر ژرف ساخت به سه دسته مقلوب، مستقیم و بین بین تقسیم‌بندی می‌شوند.

از این بین، اسم‌های مرکب غیرفعلی همسانی و بعضی از اسم‌های مرکب فعلی و غیرفعلی وابستگی، مستقیم‌اند؛ بدین معنی که با گروه‌ها و جمله‌های ژرف ساختشان تفاوت جدی ندارند. به عنوان نمونه: برگ زرد، دختر عمو، کلاه فرنگی که با گروه‌های برگ زرد، دختر عمو و کلاه فرنگی تفاوت چندانی ندارند. لازم به اشاره است که امروزه هیچ ساختمان فعلی برای اسم مرکب موجود نمی‌باشد. (شعبانی- فرشیدور، 1390، 196). در نمودار شاخه‌ای زیر به طور خلاصه تقسیم‌بندی اسم مرکب نشان داده شده است.



شکل 1- نمودار تقسیم‌بندی اسم مرکب. (شعبانی- فرشیدور،

1390

، (83).

5-1- اسم‌های مرکب فعلی

اسم‌هایی که یکی از بخش‌هایشان مصدر تام یا مصدر کوتاه یا ماده مضارع یا ماضی یا صفت حالی یا عناصر فعلی دیگر می‌باشد، به طور مثال: پیشرفت، شیرینی‌خوران، پا شدن و ... از این رو می‌توان گفت که اسم‌ها بر اساس جزء فعلی انواعی دارند که عبارت‌اند از:

1- مواردی که از مصدر کوتاه (مصدر

مرخم) ایجاد می‌شوند؛ مثل: عملکرد، نگهداشت، کاربرد.

2- مواردی که از مصدر تام (مصدر بلند) به

وجود می‌آیند؛ مثل: کار کردن، گم شدن.

3- مواردی که از اسم و ماده مضارع ساخته می‌شوند که خودشان بر دو نوع‌اند: الف) مواردی که علاوه بر ماده مضارع با عناصری دیگر همراه هستند؛ مانند: شکم روش، پاشوره. ب) مواردی که به ماده مضارعشان عنصر دیگری ملحق نمی‌گردد؛ مثل: فروگذار.

5-2- اسم‌های مرکب غیرفعلی

پیش از این بیان شد که اسم‌های مرکب غیرفعلی به سه نوع وابستگی و همسانی و بین بین تقسیم می‌شوند که عبارت هستند از: اسم‌های مرکب غیرفعلی وابستگی: اسم‌های مرکب غیر فعلی وابستگی بر سه قسم مستقیم، مقلوب و بین بین تقسیم می‌گردند.

2-2-5- اسم‌های مرکب غیرفعلی وابستگی در هم ریخته⁴

1-2-5- اسم مرکب غیر فعلی وابستگی مستقیم

1- مضاف + مضاف‌الیه (مضاف و مضاف‌الیه با کسره مخفف و بدون درنگ آخر)؛ مثل: تخم مرغ دردرس، راه حل، ضبط صوت.

این الگو یکی از ساختمان‌های متداول به منظور اصطلاح‌سازی است اما، بر روی هم این ساختمان فعال نخواهد بود مگر در مواقعی که مضاف از کلمات دستوری شده باشد: واژگانی مانند اختلاف، جلب، عدم، حسن، سوی حق، طرز، تجدید، بذل، سلب، احساس، قوه، سر، درد و ...

2- از مضاف و مضاف‌الیه با حذف کسره اضافه؛ مثل: پسرعمو، مادرزن، بالادست. باید توجه داشت که این الگو غالباً کاربردی عامیانه در دستور زبان داشته و به جز در برخی موارد فعال نیست.

3- از موصوف و صفت پسین با حذف کسره وصفی؛ مثل: بازارسیاه، مادر بزرگ، کاردستی.

باید توجه داشت که این الگو غالباً کاربردی عامیانه در دستور زبان داشته و در زبان رسمی فاقد فعالیت بوده و همچنین به منظور اصطلاح‌سازی مناسب نیست.

4- از صفت یا شبه صفت پیشین و اسم بدون تقدیر حرف اضافه؛ مثل: هرکس، هریک. باید توجه داشت که این ساختمان فعال نیست. این الگو از منظر نوع صفت بر چند قسم است:

صفت‌های مبهم: هریک، هریکی، هرکس. صفت‌های عددی: سی مرغ، هفت هزار: این ساختمان در زبان رسمی فاقد فعالیت است.

صفت‌های اشاره‌ای: مثل اینجا، همان جا و آنجا.

5- از دو اسم که در بین آنها حرف اضافه‌ای مقدر است؛ مثل: تبریز میانه به ازای قطار تبریز تا میانه.

1- از مضاف و مضاف‌الیه مقلوب با حذف کسره اضافه؛ مثل: گلاب، گلخانه، مهمانسرا، که در واقع به این معنی تاویل می‌شوند: آب گل، خانه گل، سرای مهمان. این ساختمان فاقد فعالیت بوده، بدین معنی که جای هر مضاف و مضاف‌الیه را نمی‌توان جابه‌جا نموده و اضافه مقلوب مرکب ایجاد کرد، بلکه صرفاً برخی از مضاف‌الیه‌هایی که دستوری شده‌اند و به شکل پسوند درآمده‌اند به شکل فعال و نیمه‌فعال کلمه و اصطلاح مرکب تشکیل می‌دهند.

2- صفت یا شبه صفت مقلوب پسین و اسم بدون تقدیر حرف اضافه؛ مثل: اول نفر، دوم نفر، آخرسر، بزرگ دبیر. به این دلیل که ساختمان فعالی به منظور ایجاد اسم مرکب نداریم، بسیار مطلوب است که این نوع ساختمان، فعال شود و به واسطه‌ی آن واژگان جدید ایجاد گردد، ولی باید توجه داشت که این ساختمان از منظر رو ساخت با ساختمان صفت مرکب مشترک بوده و این امکان وجود دارد که افراد اسم‌های مرکب که بر اساس این الگو ایجاد می‌شوند را صفت معنی کنند، به عنوان نمونه چنین گفته شود که «نرم افزار، به این معنی است که افزارش نرم است» (احمد کیوی، 1399، 91)

3-2-5- اسم‌های مرکب غیرفعلی همسانی

این قسم از اسم‌های مرکب بیشتر عطفی بوده و یا تأکیدی‌اند؛ به این معنی که از معطوف‌علیه یا از کلمات مکرر تأکیدی ساخته شده‌اند و دارای اقسامی هستند (طباطبایی، 1391، 17):

1- از اسم‌ها یا کلمات اسم شده همپایه و معطوف با ضمه مخفف عطف مثل: زد و خورد، برد و باخت، فلان و بهمان، سر و صدا، داد و فریاد

4 وابستگی مقلوب.

این نوع ساختمان نیمه فعال می‌باشد و یکی از انواع مهم آن اصطلاحاتی است که جنبه علمی و فنی دارند. می‌توان برای این نوع، اقسامی را نیز قائل شد:

1-1- زمانی که عطف بین دو کلمه متناسب است؛ به عنوان نمونه:

درد و رنج و یا بوق و کرنا.

1-2- زمانی که عطف بین دو کلمه متناسب است؛ به عنوان نمونه:

برد و باخت و یا سود و زیان.

1-3- زمانی که عطف بین دو کلمه رخ می‌دهد که از نظر حروف

متجانس هستند؛ به عنوان نمونه:

آسمان و ریسمان.

2- از اسم‌ها و کلمات اسم شده هم پایه بدون ضمه

عطف؛ مانند: شیربرنج، قلم مداد، آمد شد، شتر مرغ، شتر گاو پلنگ، کله پاچه، چلوکباب، پلو خورش، تاریخ جغرافی، فیزیک شیمی، کمدی درام....

این ساختمان فعال نبوده و بیشتر مختص زبان عامیانه است.

5-2-4- اسم‌های مرکب تاکیدی و اتصالی

اسم‌های مرکب، این قابلیت را دارند که هم از ترکیبات وابستگی گرفته شوند و هم از ترکیبات تقویتی و هم از ترکیبات همسانی. این اسم‌ها غالباً واژه‌های مرکب مکرر تاکیدی و اتصالی هستند. یعنی واژگانی که بر تأکید و توالی دلالت دارند که به شیوه‌های زیر ایجاد می‌گردند:

1- از دو اسم مکرر خواه به واسطه حرف

اضافه یا عناصر اتصالی؛ مانند: سرتاسر،

دورتادور، سراسر، گرداگرد، خواه

بی‌واسطه؛ مثل: فردفرد، های‌های، خش

خش، پیچ پیچ.

2- از دو اسم غیر مکرر خواه بواسطه خواه

بی‌واسطه؛ مثل: سرتاته، پرس و جو، سرتا

پا، جست و جو.

5-2-5- اسم‌های مرکب عربی

بعضی از ترکیب‌های عربی در فارسی، به صورت

اسم مرکب به کار می‌روند و بدین‌سان ساخته می‌شوند:

1- مضاف + مضاف الیه ذو الّلام؛ مثل حسب الحال، عکس‌العمل و یا علت‌العلل.

2- از موصول وصله آن مانند: ماسبق، ماحصل، ماجری، مابقی، مایحتاج.

6- رمان بره گمشده راعی

هوشنگ گلشیری (زاده‌ی ۲۵ اسفند ۱۳۱۶ در اصفهان - درگذشته‌ی ۱۶ خرداد ۱۳۷۹ در تهران) نویسنده‌ی معاصر ایرانی و سردبیر مجله‌ی کارنامه بود. مورّخان ادبی وی را از تأثیرگذارترین داستان‌نویسان معاصر زبان فارسی دانسته‌اند. (حامیدوست، 1395، 131). «بره‌ی گمشده‌ی راعی» رمانی از گلشیری است که تنها نخستین دفترش با نام «تدفین زندگان» در چهار فصل چاپ شده و دستنویس دفتر دومش در کتابخانه‌ی دانشگاه استنفورد نگهداری می‌شود. گلشیری این رمان را در سه دفتر پیش‌بینی کرده بود. (بهمنی‌مطلق، 1400، 52 و 53). رمان «بره‌ی گمشده‌ی راعی»، شرح زندگی شخصیت‌هایی است که از نگاه «راعی» راوی رمان دیده می‌شوند. نویسنده در فصل اول رمان، در پوست راعی فرومی‌رود و ذهن و نگاه او را به‌خواننده می‌شناساند. گلشیری در این بخش موفق شده است تا روابط راعی را در ارتباط با سایر شخصیت‌های رمان، از سطح به‌عمق بکشد و آن‌ها را نه در وضعی که راعی شرح می‌دهد، که در گذر از ذهن و درون راعی نمایش دهد و همواره خواننده را در دو بُعد جهان بیرون و درون نویسنده‌ی راعی نگه دارد. شاید در تقسیم‌بندی‌های ظاهری، «بره‌ی گمشده‌ی راعی» در ژمره‌ی ادبیات متعهد این روزگار قرار نگیرد، اما گلشیری در این رمان بی‌آنکه افسون شخصیت‌هایش شود، قهرمان بپرورد یا درماندگی آنان را با فریاد و جنجال به‌رخ خواننده بکشد و شهیدنمایی کند، با تصاویری زنده در نمایش صریح زندگی و خفیات آنان در افشاء کردن آنچه پنهان است، تعهد خود را به‌نسل خویش ادا کرده است. گلشیری شخصیت‌های رمانش را همچون آینه‌ای در برابر ما می‌گیرد و آرام و بی‌هیاهو، علیه سنت‌ها و خرافات می‌تازد. (نجفی، 1399، 90). تداعی خاطره‌ها، تداخل ذهنیت راعی با واقعیت، عبور سایه‌وار راوی از زندگی بیرون و درون شخصیت‌ها در شیوه بیانی ابداعی، «بره‌ی گمشده‌ی راعی» را به‌کاری نو و متفاوت در شیوه‌های متداول رمان‌نویسی معاصر تبدیل کرده است.

گلشیری در فصول چهارگانه این داستان، سیر و سلوک نویدکننده سید محمد راعی، دبیر مجرد چهل ساله را غالباً از طریق اعمال و رفتار و گفتار وی به تصویر

می‌کشد. راعی، که نماینده طبقه روشنفکر شکست‌خورده دهه پنجاه و شخصیت اصلی و محوری داستان است، روند داستان با روایت زندگی او پیش می‌رود و در هر فصل الیه‌های مبهمی از روان او روشن می‌شود. در فصل اول که «تنها فاصله زمانی بین یک غروب تا صبح روز بعد از زندگی راعی را در برمی‌گیرد، هیچ واقعه‌ای رخ نمی‌دهد و همه چیز در ذهن راعی می‌گذرد» (میرعابدینی، 1369، 295).

«در این فصل راعی را داخل مهتابی اتاق خود می‌بینیم که به لباس‌های زیر زن همسایه که از بند رخت آویخته است چشم‌دوخته؛ و زن خدمتکاری (حلیمه) را به یاد می‌آورد که هر چند وقت یک بار برای نظافت به خانه‌اش می‌آمده و یک بار هم با او همبستر شده است. این ماجرا که حاصلی جز شرم و عذاب روحی برای او ندارد در پشت سر راعی قرار گرفته است. اما گاه‌به‌گاه یادآوری آن، موجب وسوسه و آزار ذهن او می‌شود. راعی که امیدی مبهم به آینده دارد، در مهتابی اتاق خود می‌نشیند و به اتاق روبرو مینگرد. در آنجا پنجره‌ای است که شبی، بازوی سفید و عریان زنی را در آن دیده که فکرش را آشفته کرده است. در شبی دیگر، زن همسایه پنجره را گشوده و کاغذ مچاله‌شده‌ای را که می‌تواند تبلور تمامی وجود او باشد به خیابان انداخته است. راعی با شتاب به خیابان می‌رود و مدت‌ها تلاش می‌کند تا کاغذ مچاله شده را بیابد ولی موفق نمی‌شود. وقتی صبح روز بعد، تکه روزنامه‌ای را با نقش لبی بر آن یافته، چنان آسوده‌خاطر شده، که انگار برة گمشده‌اش را یافته است. راعی امید می‌یابد که از راه تشکیل خانواده آرامشی پیدا کند، اما سیر رویدادهای داستان، بیهوده بودن این امید را نشان می‌دهد» (میرعابدینی، 1369، 294).

در فصل دوم، راعی را در مدرسه می‌بینیم که مثل همیشه دارد رساله شیخ بدرالدین را درس می‌دهد. رساله، درباره عشق زاهدی است به نام شیخ‌بدرالدین، به زنی زناکار. اما شیخ که تابع قانون شرع است، خواسته دل را زیرپا می‌نهد و برای حفظوجه خویش، حکم سنگسار زن را صادر می‌کند. غم عشق، او را در مسأله آدم‌های رمان شریک می‌کند. از آن‌پس، یاد زن همچون وهمی وسوسه‌آمیز، خلوت زاهد را برهم می‌زند، زیرا او خود را مسئول مرگ آن زن می‌داند. این پیکار روحی تا هنگام مرگ او ادامه دارد و او را می‌رنجاند. «آقای صالحی، دبیر نقاشی دبیرستان، یکی از همکاران راعی است که همان شبی که راعی در پی یافتن کاغذ مچاله شده‌است، زنش را از دست داده و اینک مانند راعی، مجرد شده و با بزه، شخصیت خود را نابود کرده‌است» (میرعابدینی، 1369، 298).

«در فصل سوم راعی به کافه می‌رود و به جمع دوستان همپاله‌اش می‌پیوندد که همگی، مأیوس و سرخورده هستند و در برزخ امروز، میان غم غربت دیروز و ناامیدی از فردا سرگرداندند و روزگار را به خواری می‌گذرانند» (میرعابدینی، 1369، 299). در فصل چهارم، راعی به مجلس تدفین زن صالحی می‌رود؛ و تمامی آداب شستن و کفن مرده را باز می‌گوید و گفته‌هایش را با عباراتی از نثر کلاسیک، مزین می‌کند. صالحی سر قبر گریزی دریغناک به گذشته دارد: پدرش را به یاد می‌آورد که عشق‌باز بود. سپس مراسم کبوتر هوا کردن عشق‌بازان و آداب تریاک کشیدن آنان را با شیفستگی شرح می‌دهد. اما راعی که به جای زن صالحی، زن ناشناسی را تشییع کرده، بر مرگ همه می‌گیرد، همه آنانی که مردگانی ظاهراً زنده‌اند. در پایان، راعی، روی سنگ قبری می‌نشیند و بر «تدفین زندگان» می‌گرید و می‌خندد».

7- اسم‌های مرکب در بره گمشده راعی

چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، 5 نوع اسم مرکب غیرفعلی در این پژوهش شناسایی شده است. اسم مرکب غیر فعلی وابستگی مستقیم، اسم‌های مرکب غیرفعلی وابستگی در هم ریخته، اسم‌های مرکب غیرفعلی همسانی، اسم‌های مرکب تاکیدی و اتصالی و اسم‌های مرکب عربی از این 5 نوع به شمار می‌روند. به ترتیب کاربست هریک از این انواع در رمان بره گمشده راعی گلشیری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1-7- اسم مرکب غیر فعلی وابستگی مستقیم

چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، یکی از روش‌های اسم مرکب غیرفعلی وابستگی مستقیم مضاف + مضاف‌الیه (مضاف و مضاف‌الیه با کسره مخفف و بدون درنگ آخر) است. در عبارت زیر گلشیری از این الگو بهره برده است و واژه‌ی در دسر را استفاده نموده است:

راننده گفت: شما مسیرتان را بفرمایید. گفت: من مستقیم می‌روم. تا هر جا رفتید باهاتان می‌آیم ... برگشت گفت: مثل اینکه دنبال در دسر می‌گردید. (گلشیری، 1356، 73).

الگوی دیگر ساخت چنین نوعی از اسم مرکب مضاف و مضاف‌الیه با حذف کسره اضافه است. در عبارت زیر گلشیری از این الگو بهره برده و واژه‌ی بالادست را استفاده نموده است:

از آن پس سی و پنج سال تمام از صبح تا به شب سبب می‌بافت و غروب تا تل عاشقان می‌رفت و در گرگ و میش غروب در بالادست روستا دری را میکوفت. (گلشیری، 1356، 25).

الگوی دیگر ساخت چنین نوعی از اسم مرکب از موصوف و صفت پسین با حذف کسره وصفی است. در عبارت زیر گلشیری از این الگو بهره برده و واژه‌ی کاردستی بهره برده است:

یکی دوبار حتی چند شاخه خشک را روشن کرده بود و دستهای پیر و لرزانش را بر شعله آتش گرفته بود مگر فرمان برند، اما شعله دمی بیش نمی‌پایید. شیخ به کاردستی چروک خورده پشت دستها نگاهی می‌کرد و باز تا آتش زنده بماند همیشه‌ای دیگر را در کار آتش می‌کرد. (گلشیری، 1356، 49).

الگوی دیگر ساخت چنین نوعی از اسم مرکب از صفت یا شبه صفت پیشین و اسم بدون تقدیر حرف اضافه است. این الگو به تعداد زیادی در رمان یافته می‌شود. نمونه زیر کاربرد واژه هرکس از این الگوست:

می‌نشست روبه‌روی هرکس و خرمن موی را بر رخسار می‌افکند و ابریشم مشکین هزار هزار تار را به دندانهای شانهای چوبین شانه می‌زد و گیسوان را همان‌گونه که شیخ رشته‌های سبب را، به هم می‌بافت. (گلشیری، 1356، 51).

2-7- اسم‌های مرکب غیرفعلی وابستگی در هم ریخته

چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، یکی از روش‌های اسم مرکب غیرفعلی استفاده از مضاف و مضاف‌الیه مقلوب با حذف کسره اضافه است. در عبارت زیر گلشیری از این الگو بهره برده است و واژه‌ی مهمان‌سرا را استفاده نموده است:

می‌گفت: «آری، می‌دانم. به سرعت به مهمان‌سرا میرفتی و بوسه بر گونه‌اش می‌زدی؛ چون در سنت آمده بود که پیش از صحبت با زنان به بوسه‌ای باید دل آنان خوش کرد، ورنه ترا چه پروای او!». (گلشیری، 1356، 68).

روش دیگر برای تشکیل اسم مرکب غیرفعلی وابستگی در هم ریخته صفت یا شبه صفت مقلوب پسین و اسم بدون تقدیر حرف اضافه است. در عبارت زیر گلشیری از این الگو بهره برده است و واژه‌ی آخرسر را استفاده نموده است:

خوانده بود که تا بار گیرد شیخی، زاهدی، یگانه‌ی روزگار، بیفرزند نماند، با او عقد نکاح بسته است. ورنه اگر مرادت نفرموده بود، آخرسر یا به سنت نیامده بود که چنین و چنان باید، هیچ‌گاه با او به یک بستر نمی‌خفتی. (گلشیری، 1356، 55).

3-7- اسم‌های مرکب غیرفعلی همسانی

چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، این قسم از اسم‌های مرکب بیشتر عطفی بوده و یا تأکیدی‌اند. یکی از روش‌های ساخت اسم مرکب این نوع از اسم‌ها یا کلمات اسم شده همپایه و معطوف با ضمه مخفف عطف است. در عبارت زیر گلشیری از این الگو بهره برده است و واژه‌ی داد و فریاد را استفاده نموده است:

دقیقاً که نه، اما، خوب، وقتی همه را از اینجا و آنجا پیدا کردم، به ردیف دسته‌شان کردم، دیدم که بله، تمام است، اما این بار یک دفعه و برای همیشه تمام‌شدنی نیست. ببینید، همکارها تقصیر نداشتند، همین‌طوری با داد و فریاد تسلیم می‌گفتند. (گلشیری، 1356، 30).

نوع دوم از این اسم، از اسم‌ها یا کلمات اسم شده همپایه و معطوف با ضمه مخفف عطف است. در عبارت زیر گلشیری از این الگو بهره برده است و واژه‌ی بوق و کرنا را استفاده نموده است:

صلاحی صندلی را جلو کشید و روبه‌روی راعی پشت عسلی نشست. توی بسته کباب بود. صلاحی استکان‌ها را پر کرد. راعی خورد، نگفت به سلامتی. نگاه نمی‌کرد. آقای صلاحی باز چنین رفتاری را در بوق و کرنا کرد. (گلشیری، 1356، 83).

4-7- اسم‌های مرکب تأکیدی و اتصالی

این اسم‌ها غالباً واژه‌های مرکب مکرر تأکیدی و اتصالی هستند. یکی از راهکارهای ایجاد چنین اسم‌هایی، از دو اسم مکرر خواه به واسطه حرف اضافه یا عناصر اتصالی است. در عبارت زیر گلشیری از این الگو بهره برده است و واژه‌ی سرتاسر را استفاده نموده است:

توی راه فکر می‌کردم حق داشتند، از کراواتم، یا شاید از صورتم و نمی‌دانم دستهام فهمیده بودند که یکی مرده است. من هم همین احساس را داشتم، یکی مرده است. کی؟ ظاهراً یکی که با من نسبتی داشته، برای همین هم من یکی کراوات مشک‌ی زده‌ام. وقتی هم تسلیم گفتند

نهمیدم مقصودشان خانم است. در سرتاسر صحبت وقتی حرف سومش پیش می‌آید یک دفعه متوجه شدم که خانم مرده است. بعد باز یادم رفت. باور کنید توی راه که می‌آمدیم، حتی توی کوچه، یادم نبود. (گلشیری، 1356، 69).

نتیجه‌گیری

واژه‌ای که از واژه‌ها یا نیمه‌واژه‌ها یا از ترکیب آنها ایجاد شده باشد به صورتی که اجزای این ترکیب ایجادشده خاصیت صرفی و یا نحوی و یا آوایی و یا معنایی خود را از دست داده باشند، واژه مرکب هستند. گسترش‌ناپذیری، حذف و کوتاهی، نشانه دستوری و آهنگ ویژه تلفظ کردن واژه مرکب از جمله ویژگی‌های واژه‌های مرکب است. اسم مرکب، اسمی است که از دو جزء یا بیشتر ترکیب شود، به گونه‌ای که هر جزء مستقلاً دارای معنی باشد ولی مجموعاً بر یک تن یا یک چیز دلالت کند؛ مانند: عبدالله، سمرقند. در مراجع گوناگون مثل کتاب‌های دستور زبان فارسی، شیوه‌های متفاوت و گوناگونی برای ساختن اسم‌های مرکب ارائه شده است که اکثر الگوهای ساختاری اسم مرکب در بیشتر این کتاب‌ها یکسان هستند. 5 نوع اسم مرکب غیرفعلی در این پژوهش شناسایی شده است. اسم مرکب غیر فعلی وابستگی مستقیم، اسم‌های مرکب غیرفعلی وابستگی در هم ریخته، اسم‌های مرکب غیرفعلی همسانی، اسم‌های مرکب تاکیدی و اتصالی و اسم‌های مرکب عربی از این 5 نوع به شمار می‌روند. تمامی این انواع اسم مرکب در اثر بره گمشده راعی هوشنگ گلشیری به کار رفته‌اند.

منابع

کتاب

- 1- احمدی گیوی، حسن و همکاران (1399)، زبان و نگارش فارسی، چاپ 36، تهران: سمت.
- 2- خیام‌پور، عبدالرسول (1400)، دستور زبان فارسی، چاپ دوم، تبریز: آیدین: انتشارات یانار.
- 3- شعبانی، محمدرضا و فرشیدور، خسرو (1390)، ترکیب و اشتقاق در زبان فارسی ترکیب و تحول آن در

- زبان فارسی دستوری برای واژه‌سازی، چاپ اول، تهران: زوار.
- 4- طباطبائی، علاءالدین (1394)، ترکیب در زبان فارسی: بررسی ساختاری واژه‌های مرکب، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- 5- عمادافشار، حسین (1372)، دستور و ساختمان زبان فارسی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- 6- گلشیری، هوشنگ (1356)، بره گمشده راعی، تهران: کتاب زمان.
- 7- محتشمی، بهمن (1370)، دستور کامل زبان فارسی، تهران: اشراقی.
- 8- مرزبان راد، علی (1379)، دستور سوئدمن، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- 9- منصور، جهانگیر (1400)، دستور زبان فارسی [پنج استاد] (عبدالعظیم قریب - جلال همایی - رشید یاسمی - ملک‌الشعراری بهار - بدیع‌الزمان فروزانفر)، چاپ دهم، تهران: ناهید.
- 10- میرعابدینی، حسن (1369)، صد سال داستان‌نویسی در ایران، جلد 2، چاپ دوم، تهران: تندر.
- 11- یوسفی، حسینعلی (1379)، دستور زبان فارسی 1 و 2، چاپ دوم، تهران: روزگار.
- 12- بهمنی مطلق، یدالله (1400)، شیوه‌های شخصیت‌پردازی در بره گمشده راعی، تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، شماره 48.
- 13- پرویزی، نسرین (1393)، الگوهای ساخت واژه‌های مرکب شاهنامه، نامه فرهنگستان، شماره 54.
- 14- حامی‌دوست، معصومه (1395)، زمان و هویت در

مقالات

داستان‌های هوشنگ گلشیری از منظر
نقد مضمونی، نقد ادبی، شماره 33.

15- طباطبایی، علاءالدین
(1391)، مقایسه رده‌شناختی اسم
مرکب در فارسی و انگلیسی،
پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال
اول، شماره 3.

16- نجفی، حسن (1399)، نقد
اجتماعی رمان بزه گمشده راعی
(هوشنگ گلشیری) و سروده حقار
القبور (بدر شاکر السیّاب)، کاوش‌نامه
ادبیات تطبیقی، شماره 38.

پایان نامه و رساله

17- تراپیان، امیر (1392)،
بررسی استعاره در اسم‌های مرکب
اسم-اسم فارسی در چارچوب
زبان‌شناسی شناختی، پایان‌نامه
کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

REFERENCES

- Ahmadi Ghaivi, Hassan and Hamkaran (1399), Zaban and Najareh Farsi, Chap 36, Tehran: Simt.
- Khayyampur, Abd al-Rasul (1400), the constitution of Persian Zaban, Chap Dom, Tabriz: Aydin: Yanar publications.
- Shabani, Mohammad Reza and Farshidor, Khosrow (1390), Syntax and Derivation of Persian Durr Zaban, Structure and Transformation of the Durr Zaban, Persian Constitutional Bray and Aghehsazi, Chap Awal, Tehran: Zuwar.
- Tabataba'i, Alaaddin (1394), Composition of Dur Zaban Farsi: Parsi Sakhtari Wazhehahi Markab, Tehran: Farhangistan Zaban and Persian literature.
- Amadavshar, Hossein (1372), Constitution and Sakhtman Zaban Farsi, Chap Dom, Tehran: Daneshgah Allama Tabatabai.
- Golshiri, Hoshang (1356), Barra Gamshadh Raei, Tehzan: The Book of Zaman.
- Mohtashami, Bahman (1370), the constitution of a complete Zaban Persian, Tehran: Ishraqi.
- Marzban Rad, Ali (1379), Constitution of Sudmand, Chap Nehm, Tehran: Amir Kabir.
- Mansur, Jahangir (1400), the constitution of Persian Zaban [Panj Ustad] (Abdulazim Qareeb - Jalal Homayi - Rashid Yasmi - Malik Sha'ari Bahar - Bediuzzaman Frozanfar), Chap Daham, Tehran: Nahid.
- Mirabedini, Hassan (1369), Sadd Sal Dastannoisy in Iran, Volume 2, Chap Dom, Tehran: Tinder.
- Yousefi, Hosseinali (1379), Zaban Persian constitution 1 and 2, Chap Dom, Tehran: Rozgar.
- Bahmani Mutlaq, Yadullah (1400), Shiohai Chahit-e-Pardazi dar Berg-e-Gamshad-Ra'i, interpretation and analysis of the texts of Zaban and Persian literature (Dahkhoda), Shamara 48.
- Parvizi, Nasreen (1393), Al-Gohai sakht wa-ah-ha-ha-i, the compound of Shahnameh, the name of Farhangistan, Shamara 54.
- Hamidoust, Masoumeh (1395), Zaman and Hoyt der Dastanhai Hoshang Golshiri as Theorizing of Content Criticism, Literary Criticism, Shamara 33.
- Tabatabai, Alaa al-Din (1391), Comparison of Radhashnakhti, a compound name, in Persian and English.
- Najafi, Hassan (1399), Social Criticism of Pomegranate Bara Gamshadi Raei (Hoshang Golshiri) and Sarouda the Grave Digger (Badr Shaker Al-Sayyab), Kaushnameh Applied Literature, Shamara 38.
- Turabian, Amir (1392), Parsi metaphor of dar asmaehai, compound noun- Persian noun, dar charchob zabanehashani shnakhti, payanamah karshnassi arshad, daneshgah of shiraz, daneshkdah literature and human sciences.